

## Original Article

### Charter of Citizenship Rights and Challenges of Women's Citizenship Rights in Iran

Tavakol Lotfi<sup>1</sup>, Hojjatollah Ebrahimian<sup>2\*</sup>, Maghsoud Ranjbar<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in Public Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: Hojjat49@gmail.com

3. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Received: 14 Oct 2020 Accepted: 3 Mar 2020

#### Abstract

**Background and Aim:** Throughout history, various factors have prevented citizens from achieving their rights. One of the most important is gender. The situation of women in Iran has undergone many changes throughout history, and today it needs to identify needs and find legal solutions in various aspects. In the text of the "Charter of Citizenship Rights", the priority of respecting women's rights is considered as half of the society. However, the necessary efforts have not been made to identify the weaknesses and to observe them accurately and unconditionally, and observing them has faced many challenges. Given these points, it is essential for us to study and identify the challenges of women's citizenship rights. Therefore, the aim of this study was to investigate the level of women's awareness of their citizenship rights, counting women's citizenship rights in the Charter of Citizenship Rights, as well as their expectations from the government.

**Materials and Method:** In this research, using library method, to collect and study the required resources and by comparing the data obtained from the study, try to select and benefit from the most accurate information in books, documents and sites that can be used. Access has been provided to describe and explain the subject.

**Findings:** The results showed that after the constitutional period, governments have always tried to improve women's citizenship rights. But some articles of the Charter are in stark contrast to the text of the law. Also, the lack of a mechanism for teaching citizenship rights, especially to women, and the lack of the necessary executive guarantees and less attention to violence against women are among the most important challenges to the Charter of Citizenship Rights.

**Conclusion:** The situation of women's civil rights in Iran is the result of a complex set of historical, social, religious and political factors, and any change in this field requires full knowledge of these areas. It should not be assumed that the existence of laws, even the constitution's attention to civil rights, alone guarantees these rights in society. Citizenship is a culture that needs to be learned and institutionalized over time.

**Keywords:** Women; Citizenship Rights; Citizenship Charter; Challenges; Strategies

**Please cite this article as:** Lotfi T, Ebrahimian H, Ranjbar M. Charter of Citizenship Rights and Challenges of Women's Citizenship Rights in Iran. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 105-117.

## منشور حقوق شهروندی و چالش‌های حقوق شهروندی زنان در ایران

توکل لطفی<sup>۱</sup>، حجت‌الله ابراهیمیان<sup>۲\*</sup>، مقصود رنجبر<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار و عضو هیأت‌علمی، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Hojjat49@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیأت‌علمی، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

### چکیده

**زمینه و هدف:** در طول تاریخ عوامل مختلفی مانع دستیابی شهروندان به حقوق خود شده است یکی از مهم‌ترین آن‌ها، عامل جنسیت می‌باشد. وضعیت زنان در ایران در طول تاریخ دستخوش تحولات بسیاری قرار گرفته است و امروزه از جنبه‌های مختلف نیازمند شناسایی نیازها و یافتن راه‌کارهای قانونی می‌باشد. در متن «منشور حقوق شهروندی» اولویت رعایت حقوق زنان به عنوان نیمی از جامعه لحاظ شده است، اما اهتمام لازم برای شناسایی ضعف‌ها و رعایت دقیق و بی‌قید و شرط آن به عمل نیامده و رعایت آن با چالش‌های بسیاری مواجه بوده است. با توجه به این نکات، مطالعه و شناسایی چالش‌های حقوق شهروندی زنان برای ما ضرورتی اساسی است، لذا هدف این پژوهش بررسی میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی خویش، احصای حقوق شهروندی زنان در منشور حقوق شهروندی و همچنین انتظارات آنان از دولت بوده است.

**مواد و روش‌ها:** در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای نسبت به جمع‌آوری و مطالعه منابع مورد نیاز اقدام نموده و با مقایسه داده‌های حاصل از مطالعه سعی در انتخاب و بهره‌مندی از دقیق‌ترین اطلاعات در کتب و اسناد و سایت‌های قابل دسترسی برای توصیف و تبیین موضوع شده است.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بعد از دوره مشروطیت دولت‌ها همواره کوشیده‌اند که حقوق شهروندی زنان بهبود یابد، گرچه تدوین و ابلاغ «منشور حقوق شهروندی» تحول مثبت در زمینه حقوق شهروندی زنان محسوب می‌شود، اما برخی مواد منشور در تضاد کامل با متن قوانین قرار دارد. همچنین عدم مکانیسم آموزش حقوق شهروندی بالاخص در قبال زنان و فقدان ضمانت اجرایی لازم و توجه کم‌تر به خشونت علیه زنان از مهم‌ترین چالش‌های منشور حقوق شهروندی است.

**نتیجه‌گیری:** وضعیت حقوق شهروندی زنان در ایران حاصل مجموعه‌ای پیچیده از عوامل تاریخی اجتماعی و فرهنگی مذهبی، سیاسی است و هر نوع تحولی در این زمینه نیازمند شناخت کامل این زمینه‌هاست. نباید پنداشت که وجود قوانین حتی توجه قانون اساسی به حقوق شهروندی، به تنهایی تضمین‌کننده این حقوق در جامعه باشد. شهروندی یک فرهنگ است که نیاز به آموختن و نهادینه‌شدن در طول زمان دارد.

**واژگان کلیدی:** زنان؛ حقوق شهروندی؛ منشور حقوق شهروندی؛ چالش‌ها؛ راه‌کارها

## مقدمه

شهروندی در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی، به مفهوم مهمی برای توصیف، درک و تبیین شیوه‌های مختلفی که اعضای جامعه در فرآیند توسعه سهیم یا از آن محروم‌اند، بدل گردیده است (۱)، شاید این نکته از لحاظ نظری پذیرفتنی باشد که شهروندی شرط تحقق مردم‌سالاری است و به لحاظ عملی نیز دشوار است تصور نمود که یک نظام سیاسی بدون تحقق شهروندی بتواند مردم‌سالار شود (۲). این مفهوم به عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصه کلیدی برای نشان‌دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویا است (۳). در واقع شهروندی پایه جامعه مدنی به شمار می‌رود (۴).

مارشال معتقد بود که «رژیم‌های دموکراتیک» با گذشت زمان رشد می‌یابند، چنانکه سرانجام سه بعد مشخص پیدا می‌کند، او این ابعاد را بعد مدنی، بعد سیاسی و بعد اجتماعی می‌نامد. او این فرآیند را فرآیندی تکاملی نمی‌داند. به نظر او حقوق مدنی نخستین حقوقی بود که برقرار گردید. این حقوق اموری مانند آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه و دسترسی برابر به نظام قانونی را دربر می‌گیرد. حقوق سیاسی پس از حقوق مدنی پدید می‌آید و شامل حق رأی، نامزدی مقامات انتخابی، حق شرکت در احزاب سیاسی و مشارکت به شیوه‌های گوناگون در فرآیند قانونگذاری می‌گردد؛ بعد سوم با ظهور دولت جدید رفاه‌پدیدار گردید. حقوق اجتماعی شامل چیزهایی بودند که حقوق استحقاقی افراد تعریف می‌شوند، مانند امنیت اجتماعی، مزایای بیکاری، مزایای بهداشتی همچون مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و کمک‌های پزشکی و... (۵).

در قرن حاضر حقوق شهروندی زنان در پیشبرد توسعه در کشورهای مختلف جهان رشد قابل توجهی داشته است، اما در بسیاری از جوامع، آگاهی کامل از موضوع حقوق و مسؤولیت‌ها که منجر به طرح برنامه‌های عملی در این راستا شود، به دست نیامده است. باید توجه داشت که در این خصوص، جوامع در حال گذار مثل ایران با مشکلاتی به مراتب بیشتر و پیچیده‌تر

از جوامع پیشرفته رو به رو هستند، چراکه از یکسو باید عوامل بازدارنده و مانع را شناسایی و از میان بردارند و از سوی دیگر، بسترها، نهادها و عناصر جدیدی جایگزین را به وجود آورند. فعالیت زنان در ایران پس از جنبش مشروطیت همان شیوه‌ای بود که مردان انتخاب کرده بودند که عبارتند از: ۱- ایجاد انجمن‌ها؛ ۲- انتشار روزنامه و مجله؛ ۳- تأسیس مدارس پس از این جنبش‌ها، اولین مدارس دخترانه تشکیل و سازمان‌های زنانه ایجاد می‌شود و نشر اعلامیه و شبنامه مخصوص بانوان در اوایل دوره مشروطه از آثار برجسته مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در این انقلاب است. اصول نظام حقوق شهروندی نظامی خاص است که ممکن است از هر کشوری به کشور دیگر و هر جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد. عوامل متعددی همچون دین و مذهب، اعتقادات، آداب و رسوم، وضعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی می‌تواند در تهیه و تدوین حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد. حقوق شهروندی در هر کشوری بر مبنای ایدئولوژی و جهان بینی نظام حاکم بر آن کشور تبیین می‌شود. در ایران نیز چارچوب و مبانی حقوق شهروندی را در ابتدا باید در قواعد و مقررات دین اسلام که تبیین‌کننده ایدئولوژی حاکم بر کشور است، جستجو کرد و در گام بعدی این قانونگذار است که با وضع قوانین و مقررات به این حقوق جنبه قانونی می‌دهد (۶). آخرین دستاورد در مورد حقوق شهروندی در ایران، منشور حقوق شهروندی می‌باشد که در آذر ماه سال ۱۳۹۵ از آن رونمایی شد، اما این منشور در کنار برخی نقایص دارای چالش‌هایی در قبال زنان می‌باشد. در این پژوهش ضمن مطالعه حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی به بررسی چالش‌های ارتقا حقوق زنان در منشور خواهیم پرداخت.

## تاریخچه رعایت حقوق شهروندی زنان در ایران

گرچه تاریخ نشان می‌دهد که زنان در طول سالیان متمادی، نقش به‌سزایی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و... داشته‌اند و نقش آنان در تاریخ معاصر ایران، بی‌بدیل و غیر قابل انکار است، اما نقش‌آفرینی و پایداری آنان با دشواری‌های خاصی رو به رو شده و همین دشواری‌ها و

چالش‌ها مانع از فراهم‌آمدن زمینه مساعدی برای کسب کامل حقوق نیمی از افراد جامعه بوده است. هرچند حقوق شهروندی با این عبارت در اروپا پا گرفته، ولی از دید مفهومی، این حقوق در ایران و اسلام سده‌ها پیش از اروپا مدون شده است. اعلامیه کوروش پس از رسیدن به قدرت که با خردمندی در برخورد با دیگر اقوام و آیین‌ها همراه بود، نمونه‌ای از دیرینگی توجه ایرانیان به حقوق شهروندی است (۷).

ایرانی‌ها بنا بر علل سیاسی، بخش عمده‌ای از فرهنگ و تمدن خود را از ایلام گرفته‌اند و به همین دلیل دیدگاه‌شان نسبت به زن ملایم شده و تلطیف یافته است. از طرفی نخستین شکل‌گیری نظام شهروندی در فلات ایران با تشکیل دولت ایلام آغاز می‌شود. ایلامی‌ها از لحاظ معتقدات مذهبی اهل مادینه هستی و پرستش خدایان مادینه را در مرکز اندیشه مذهبی مردم قرار داده بودند (۸). علاوه بر حقوقی که برای زن بابلی در سنگ نوشته حمورابی قائل شده‌اند، بر اساس الواح و اسناد به دست‌آمده زنان حق داشته‌اند، مانند مردان به دیوان عدالت شکایت کنند یا اسناد رسمی را به مهر خود امضا نمایند. مخصوصاً زنان طبقات متمول به هیچ وجه از مردان خود کم‌تر نبوده و به حال وضع شوهرانشان غبطه نمی‌خورده‌اند، زیرا آنان می‌توانستند در عقدنامه شرایط و حقوق خاصی را برای خود در نظر بگیرند و علاوه بر آن درست مثل شوهران خود حق داشته‌اند، هرگونه قراردادی که می‌خواستند منعقد کنند. در آثار باقی‌مانده از بابل همچنین دیده می‌شود که زن در امور حسابداری و صنعت دارای نقش بوده است (۸).

از متون به دست‌آمده از تخت جمشید به این نکات پی می‌بریم که تمام زنان دربار سلطنتی، افرادی با فعالیت کارآمد و مصمم بودند. بر املاک و کارگران نظارت داشتند و دستور صادر می‌کردند. مورخان از وجود زنان مسؤول تعلیم کودکان خاندان سلطنت بالاخص دختران جوان سخن گفته‌اند. بالاترین حقوق را بانوان سرپرست دریافت می‌کردند. زنان می‌توانستند ساعات کار کم‌تری یا نیمه‌وقت بردارند. محیط کاری زن و مرد یکسان بوده است. زنان با به دنیا آوردن کودک برای مدتی از کار بیرون معاف می‌شدند و در طول مرخصی

زایمان حداقل حقوق را دریافت می‌کردند. قبل از عصر مغول در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران بعد از اسلام، هیچ‌گاه زن رسماً در امور سیاسی مملکتی دخالت نداشته است، مگر در مواردی خاص و استثنایی شامل چند زن پادشاه یا حاکم و یا زنانی که بر اساس لیاقت و شهامت خاص و دارا بودن هوش و استعداد فوق‌العاده از پوسته خود بیرون آمده و در عرصه جامعه و سیاست قدم نهاده‌اند که از این زنان تا به امروز آثاری زیادی بر جا مانده است. قبایل ترک مانند مغول‌ها برای زن اهمیت فراوان و احترامی فوق‌العاده قائل بودند و زن و مرد تقریباً از حقوق مادی و معنوی مساوی برخوردار بودند (۹). زنان در غیاب همسران خود رییس خانواده بودند و کارهای او را بی‌کم و کاست اداره می‌کردند. در انتخاب مذهب آزادی کامل داشته‌اند و می‌توانستند آیینی مغایر با آیین شوهر خود داشته باشند. در مورد حقوق مادی و تملک ثروت و املاک با مردان برابر بوده‌اند (۹).

در عهد صفوی، زنان به علت وجود محدودیت‌های فرهنگی، از شرایط و موقعیت مناسب برخوردار نبودند. اکثر آنان زیر سلطه مردان و فاقد قدرت تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی بودند. عصر قاجار، دوره مهمی در تاریخ ایران است، دوره‌ای که وضعیت زنان چه به عنوان بخشی از خاندان سلطنتی، خاندان‌های قدرتمند غیر ایللیاتی، ایللیاتی، بازاریان، علما و دهقانان با مختصر تفاوتی میان زنان شهری و ایلی، درباری و عوام، همچنان تحت اقتدار و اختیار خانواده بود. یکی از نمودهای عدم توجه به حقوق شهروندی در این دوره خرید و فروش کنیز و غلام است. مسأله خرید و فروش زنان به عنوان کنیز در طول تاریخ همواره وجود داشته است، اما عدم پیشرفت حقوق شهروندی در جامعه ایران باعث شد تا مدت‌ها پس از لغو برده‌داری در جوامع دیگر در ایران کماکان رواج داشته باشد (۱۰).

با انقلاب مشروطیت، موضوع حقوق شهروندی آن هم بی‌توجه به مسوولیت‌ها و وظایف و بی‌آموزش همگانی مطرح شد (۷). مشروطیت فرصت مناسبی بود تا استعدادهای ذاتی و نادیده گرفته‌شده زنان، مجال بروز پیدا کند و پوسته باورهای نادرستی که حضور زنان را تحمل نمی‌کردند، شکافته شود.

اصول نوزدهم تا چهل و دوم قانون اساسی با عنوان «حقوق ملت» به حقوق شهروندان اختصاص یافت، از این رو پس از انقلاب اسلامی وضعیت زنان تفاوت‌های چشم‌گیری داشته است. حضور زنان در عرصه علم و فناوری و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، بر عهده‌گرفتن مناصب مدیریتی در عرصه‌های مختلف، نمایندگی پارلمان و شوراهای اسلامی و شرکت در عرصه‌های ورزشی، هنری، اجتماعی و فرهنگی مختلف و تصویب قوانین جدید مؤید پیشرفت حقوق شهروندی زنان بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد، هرچند هنوز هم با جامعه آرمانی و ایده‌آل فاصله زیادی وجود دارد و چالش‌های بسیاری در راه تحقق حقوق شهروندی زنان به چشم می‌خورد. آخرین مورد نیز در این باره، منشور حقوق شهروندی می‌باشد که روز دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۵ با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین برنامه و خط مشی دولت، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، توسط رئیس جمهوری ایران امضا شد.

### حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی

برخلاف قانون اساسی، که در مقدمه قسمتی را تحت عنوان «زن در قانون اساسی» به جایگاه و منزلت زن و ارزش والای وی در جامعه پرداخته است، در مقدمه منشور، نامی از زنان برده نشده و نیز عنوان هیچ کدام از ۱۲ بند بیانیه پیشگفتار این منشور به حقوق شهروندی زنان اختصاص نیافته است و حقوق شهروندی آنان تنها به طور پراکنده در چند ماده مطرح گردیده است که این حقوق شامل موارد زیر است:

#### ۱- حقوق مدنی

در هیچ یک از مواد منشور به طور اختصاصی از حقوق مدنی زنان نامی برده نشده است و تنها از واژه‌های «شهروندان» و «هر شهروندی» می‌توان استنباط کرد که تفکیک جنسیتی مد نظر منشور نبوده و زنان مساوی با مردان، از داشتن حقوق مدنی شهروندی برخوردارند، از جمله این مواد در مورد حق آزادی‌های فردی به عنوان یکی از حقوق مدنی شهروندی، ماده ۱۲ «آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد...» و ماده ۲۵ «شهروندان از حق آزادی

زنان عصر مشروطیت نشان دادند که حتی با میدان عملی محدود، به خوبی می‌دانند که چگونه برای ارتقای وضعیت خود و جامعه، قدم‌های مؤثر بردارند. انجمن‌های زنان در کنار فعالیت‌های سیاسی به طرق مختلف سعی در بهبود وضعیت زنان داشتند. عمده‌ترین اقدام انجمن‌های زنان در راه بهبود وضعیت همجنسان خود، تأسیس مدارس دخترانه به سبک جدید با کمک مردم و بیشتر با هزینه شخصی اعضا بود و این انجمن‌ها مسأله تعلیم و تربیت زنان و اصلاح وضع آنان را در برنامه‌های خود منظور می‌کردند. با آغاز سلطنت سلسله پهلوی هرچند نهادهای دموکراتیک اجازه کم‌ترین فعالیت سیاسی به دست نیاوردند، اما در زندگی فردی و اجتماعی زنان ایران وقایع و حوادث دگرگون‌ساز اتفاق افتاد که در پرتو آن نیازهای روز و مقتضیات اجتماعی آشکار شد. در عصر پهلوی بحران حقوق زن که مکتوم و نهفته و در خفا بود، در شکل‌های خشونت‌آمیز، خود را نشان داد، زیرا در این عصر بود که تجددگرایی و سنت‌گرایی حول محور حقوق زن برای نخستین بار در تقابل آشکار با یکدیگر قرار گرفتند (۸). بی‌شک در دوره حکومت رضاخان تغییرات بعضاً قابل ملاحظه‌ای در حیات عمومی زنان به وقوع پیوست، هرچند این پیشرفت بناگیز بیشتر زنان طبقه بالا و متوسط را دربر گرفت. این دوران به لحاظ ورود زنان به عرصه اجتماعی، شاهد یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های تاریخ ایران نو بوده است. به اجرا درآوردن نظام آموزش اروپایی به معنی رواج آموزش در میان زنان نیز بود. دانشگاه تهران از آغاز کار خود، زنان را با شرایطی برابر با مردان می‌پذیرفت. به این ترتیب، نسل جدیدی از زنان تحصیلکرده وارد میدان شدند که در حیات اقتصادی و فرهنگی کشور نقش‌های مهم‌تری را بر عهده گرفتند (۸). زنان ایران از سال ۱۳۴۱ شمسی بر پایه فرامینی که از رأس هرم قدرت سیاسی صادر شد و سپس با تصویب ماده واحده در سال ۱۳۴۳ صورت قانونی به خود گرفت، توانستند در عرصه انتخابات پارلمان حضور یابند، یعنی توانستند رأی بدهند و بر کرسی نمایندگی پارلمان بنشینند (۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ برای نخستین بار قوانینی در باره حقوق شهروندی به تصویب رسید و

اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است...» نیز ماده ۲۶ «هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است...» می‌باشد که هر سه مورد را می‌توان از مصادیق حق آزادی‌های فردی زنان در ذیل حقوق مدنی شهروندی آنان دانست.

انعقاد قراردادهای معتبر و حق مالکیت شخص در ماده ۶۸ «... انعقاد قراردادهای و پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصی و اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود» و ماده ۷۵ «حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است...» مطرح گردیده است. به طور کلی و در ظاهر در این مواد، حق مدنی شهروندی زنان را مانند بسیاری از مواد منشور، با کاربرد واژه «شهروندان» می‌توان استنباط نمود، اما نکته مهم در ماده ۶۸ منشور این است که نباید آن را از مصادیق حقوق شهروندی دانست، بلکه آن نوعی روش و سیاست حاکم بر دولت است.

## ۲- حقوق سیاسی

حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان حقوق سیاسی شهروندی زنان را می‌توان در موادی از منشور مشاهده نمود. در ماده ۱۱ منشور «زنان حق دارند در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.» صراحتاً به زنان، حق مشارکت فعال و تأثیرگذار در اعمال قدرت‌های سیاسی، حقوقی و مدیریتی و... داده شده است و با آوردن قید «برابر» در این ماده زنان را مساوی با مردان قرار داده است. از جمله مصادیق دیگر در مورد حقوق سیاسی زنان، ماده ۱۵ در ذیل بند «ت» حق مشارکت در تعیین سرنوشت شهروندان، به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می‌توانند این حق را از طریق همه‌پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه اعمال کنند. همچنین ماده ۴۳ تحت بند «د» «حق تشکل، تجمع و راهپیمایی شهروندان» از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند.

هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود و بر اساس ماده ۴۴ حق شهروندان است که در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌های صنفی در سیاستگذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قانون مشارکت مؤثر داشته باشند. نیز ماده ۴۶ حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آن‌ها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسؤول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند، از دیگر مصادیق حقوق سیاسی زنان می‌باشند که البته به صراحت به جنسیت زن و حقوق آنان در این زمینه اشاره نشده است، بلکه این حق به طور مساوی و برابر به تمامی شهروندان جامعه اعم از زن و مرد اعطا گردیده است.

با بررسی عملکرد نظام جمهوری اسلامی از ابتدای شکل‌گیری آن باید گفت که ایران در زمینه اعطای حقوق سیاسی به زنان در بعضی از زمینه‌ها در منطقه خاورمیانه پیشرو بوده و نسبت به سایر کشورها تا حدودی موفق عمل کرده است؛ با این وجود هنوز وضعیت حقوق سیاسی زنان در جامعه با وضعیت مطلوب مطروحه در قانون اساسی فاصله زیادی دارد.

## ۳- حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی شهروندی زنان بر مبنای نظریه تی.اچ. مارشال دربردارنده طیف وسیعی از حقوق اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و قضایی می‌باشد. در منشور شهروندی این حقوق در این مواد آمده است: ماده سوم منشور: «حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.» در ماده ۵۴ در ذیل بند «ر» که به حق تشکیل و برخوردارگی از خانواده اختصاص دارد، آمده است: «حق همه شهروندان، به ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام

محلی و اصل ۳۱ قانون اساسی به مسکن مناسب برای خانواده ایرانی اشاره دارد. همچنین طبق ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی اقامتگاه زن شوهردار، همان اقامتگاه شوهر است. معذالک زنی که شوهر او اقامتگاه ندارد و زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده، می‌تواند اقامتگاه شخصی جداگانه داشته باشد. همچنین طبق ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده انتخاب کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم به بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه او بر عهده شوهر خواهد بود. این در حالی است که حق سکنی در منشور حقوق شهروندی به طور کلی بیان گردیده است، لذا برخی از صاحب‌نظران معتقدند تضاد برخی از مواد منشور با قانون موجود و بالطبع نداشتن ضمانت اجرا از جمله بحث سکونت که در این منشور آمده است و در قانون مدنی در ماده ۱۰۰۵ دیده شده است (۱۱).

یا در ماده ۲ بخش مربوط به زنان آمده است که زنان حق دارند آزادانه با هرکسی که می‌خواهند ازدواج کنند، ولی این مغایر با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی است که اجازه پدر برای ازدواج دختر را لازم می‌داند. گروهی نیز بر این عقیده‌اند که شناسایی و تحقق شهروندی فعال زنان و دختران ناظر بر حوزه‌های مختلف است که برخی از آن عبارتند از: تصویب قوانین ناظر بر حقوق شهروندی زنان و امکان دادخواهی در مورد آن‌ها، ایجاد سازوکارهای متناسب مانند انجمن‌ها و NGOها، دسترسی به ابزار ارتباطات و اطلاعات مدرن و کسب مهارت‌های لازم. نکته مهم آن است که قلمروی شهروندی فقط محدود به تنظیم روابط دولت و فرد نشده و روابط افراد در سطوح غیر رسمی از جمله خانواده را نیز دربر می‌گیرد که البته واجد آثار عمیقی خواهد بود. به این ترتیب حوزه شهروندی سطوح محلی، ملی و بین‌المللی را دربر می‌گیرد که البته تعیین شاخص‌های آن در رابطه با زنان باید متناسب با مطالبات و نیازهای ایشان در جوامع مختلف باشد (۱۲).

## ۲- فقدان آموزش حقوق شهروندی زنان

محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت، امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.» در ذیل بند «ص» تحت عنوان «حق اشتغال و کار شایسته»، ماده ۸۳ قرار دارد که اشاره می‌کند: «حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.» ماده ۸۹ «حق همه شهروندان، به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند» اشاره دارد. بر اساس ماده ۹۰ «حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماریهای شایع زنان بهره‌مند شوند.» ماده ۱۰۳ ذیل بند «ط» درباره حق دسترسی و مشارکت فرهنگی به این مطلب اشاره دارد که: «حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکلهای و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.»

## چالش‌های حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی

حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی با چالش‌های مختلفی رو به رو می‌باشد که در این گفتار به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

### ۱- تضاد برخی مواد منشور با قانون اساسی

برخی مواد منشور در تضاد کامل با متن قانون اساسی و مواد قانون مدنی قرار گرفته است. در شرایطی که منشور را بیانیه‌ای نمادین می‌خوانند و هیچ ضمانت اجرایی ندارد، مشخص نیست وارد کردن چنین موادی مغایر با قانون موجود، چه فایده‌ای می‌تواند برای زنان داشته باشد، مثلاً در این منشور گفته شده «هرکس می‌تواند سکونتگاه خود را انتخاب کند؛ حق زن در مورد اختیار و انتخاب اقامتگاه خود مورد تأیید شرع مقدس اسلام و قوانین داخلی می‌باشد، چنانکه اصل ۳۳ قانون اساسی اشاره به عدم اجبار زنان به اقامت در

(۱۴). برخی نیز معتقدند هرچند تضمینات لازم و ضمانت اجرا برای ناقضان این حقوق در نظر گرفته نشده است و این از نقص‌های اساسی آن است. لازم است این منشور نزد ارکان قدرت نهادینه شود و قوه مجریه درصدد بنیان‌نهادن آن در سازمان‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه خود برآید (۱۵).

#### ۴- عدم توجه به خشونت علیه زنان

یکی از مهم‌ترین چالش‌های منشور حقوق شهروندی در قبال زنان، عدم توجه به خشونت علیه آنان در جامعه است. امنیت برای تمام افراد جامعه موضوع مهمی است، اما زمانی که با مقوله جنسیت مرتبط می‌شود اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا هرچند ممکن است فضاهای شهری مخاطرات گوناگونی را برای گروه‌های مختلف اجتماعی و احساس امنیت آنان ایجاد کنند، به نظر می‌رسد زنان به دلیل ویژگی‌های فیزیکی خاصشان، زمانی که در فضاهای شهری حضور پیدا می‌کنند، بیشتر با خطر تجاوز و اعمال خشونت مواجه می‌شوند. بنابراین تجربه ویژه‌ای از احساس ناامنی دارند (۱۶).

آنچه از آثار نویسندگان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و نیز اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای برمی‌آید، آن است که خشونت علیه زنان ساحت وسیعی دارد و به اشکال متنوع و متعدد جلوه‌گر می‌شود. نویسندگان بر اساس مبانی گوناگون، خشونت را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند که این مبانی می‌توانند عامل خشونت، قربانی و کیفیت اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز باشند. از همین روست که خشونت به خشونت ساختاری خشونت فردی، خشونت آشکار و خشونت پنهان خشونت هدفمند و خشونت بدون هدف، خشونت فیزیکی و روانی، خشونت خانوادگی و اجتماعی تقسیم بندی شده است (۱۷).

خشونت علیه زنان به معنای هر نوع رفتار خشن وابسته به جنسیت است که موجب احساس تهدید، اجبار، سلب مطلق اختیار و آزادی یا حمله‌ای در جمع یا در خفا گردد و اثرش ناراحتی یا تحقیر زن یا دختر باشد یا او را در برقراری تماس نزدیک و صمیمانه ناتوان نماید (۱۸). تجاوز به عنف، ایجاد فضای تحریک‌آمیز یا تحقیرآمیز برای زنان با صور قبیحه (پورنوگرافی)، انواع متلک‌های جنسی که موجب تحقیر و سلب امنیت روانی زنان و دختران شود، سوءاستفاده از زنان و

سنت‌های نادرست خانوادگی، قبایل و جامعه و همچنین الگوهای رفتاری نامناسب و نامطلوب باعث محرومیت زنان از بسیاری از حقوقشان گردیده است و عدم ارائه صحیح آگاهی‌های حقوقی به زنان، بسیاری از مشکلات موجود را به وجود آورده است. در هر جامعه‌ای می‌توان با آموزش دادن قوانین و هنجارها و رعایت همگانی، آن‌ها را تا حدودی ضمانت کرد. در واقع انسان موجودی تربیت‌پذیر است و با آموزش درست و به جا و نهادینه کردن قوانین از دوره طفولیت می‌توان انتظار یک جامعه نسبتاً سالم و به دور از هنجارشکنی را داشت. قوانین و حقوق شهروندی نیز از این قاعده مستثنی نیست و قابل آموزش‌دادن به همه اقشار جامعه است. فرآیند آموزش رعایت حقوق شهروندی زنان از درون خانواده و مدرسه آغاز می‌شود و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نتایج را دربر دارد.

هر جامعه در هر دوره زمانی، موافق مقتضیات خود از انسان‌هایی که عضو آن هستند، مطالبات معینی دارد که از ذات زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، لذا در پرتو مجموعه فعالیت‌های هدفمند و سنجیده جامعه سعی بر آن دارد که فرد مورد پسند خود را به عنوان شهروندان امروز و فردا مجهز به مهارت‌هایی نماید که او بتواند در عرصه زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و فنی نقش مؤثری ایفا کند. او سپس به تحلیل و معرفی مجموعه فعالیت‌هایی که تربیت شهروندان در دو نوع جامعه (جامعه فلاحی و جامعه صنعتی) معمول است، می‌پردازد و بر این باور است این دو نوع جامعه بنا بر مختصات عمومی خود خواستار دو نوع انسان آرمانی می‌باشند و برای پروردن نوع مطلوب شهروندان خویش باید از نظام فلسفی، اخلاقی و اندیشه‌های تربیتی متفاوتی بهره گیرند (۱۳).

#### ۳- عدم وجود ضمانت اجرا

از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی منشور حقوق شهروندی می‌توان به فقدان ضمانت اجرای حقوقی و قانونی اشاره کرد، هم‌چنانکه بسیاری از صاحب‌نظران به عدم وجود ضمانت اجرایی منشور حقوق شهروندی انتقاد داشته و نسبت به تحقق قانونی آن تردید داشتند. آن‌ها دغدغه برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه‌های قانونی و اجرایی مفاد منشور را دارند، در حالی که به گفته برخی حقوقدانان اساساً منشور اولیه دارای چنین پتانسیلی نبود

از سوی دیگر با توجه به خلأها و تناقض‌هایی که در قوانین ما در مورد خشونت علیه زنان وجود دارد، تکیه بر خلأها، تناقض‌ها و گاه نص احکام و قوانین، زمینه رفتارهای خشونت‌آمیز خاصی را فراهم می‌سازد که از آن‌ها به عنوان خشونت قانونی یاد می‌شود. مروری بر قوانین حقوقی و کیفری، مصادیق متعددی از این نوع خشونت را نمودار می‌سازد. امتناع از طلاق با وجود شرایط نامساعد و دشوار زندگی و تلاش زن برای متارکه، ممانعت از حضانت فرزندان توسط مادر بعد از سال‌های اندک از زمان تولد آن‌ها، کسب اذن اجباری و خشونت‌آمیز از همسر اول برای ازدواج مجدد، فقدان حقی برای زوجه نسبت به سرمایه افزوده زندگی مشترک مگر به طور استثنایی و در صورت ذکر به عنوان شرط ضمن عقد، اختیار سنتی و قانونی زوج نسبت به حق اشتغال همسر خویش و نیز مجوز قانونی تعدد زوجات که علاوه بر به دنبال داشتن اعمال خشونت‌های روانی و جسمی بر همسر اول، سبب تقسیم منابع مالی شوهر و نیز تقسیم ارث وی میان آن‌ها شده که خشونت اقتصادی را دربر خواهد داشت، از نتایج گریزناپذیر مقررات قانونی در نظام حقوقی فعلی است.

#### ۵- عدم توجه به دختران مجرد

در قوانین ایران، دختران مجرد همیشه زیر سایه زنان یا کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرند و از حقوق مشخص و معینی برخوردار نیستند. به طوری که برخی اوقات در زمره زنان قلمداد می‌شوند و گاهی اوقات نیز در زمره کودکان و نوجوانان از آن‌ها یاد می‌شود. در منشور حقوق شهروندی نیز وضعیت به همین منوال است، در حالی که دختران مجرد به عنوان یک زن باید از ابتدای تولد تا زمان مرگ تحت پوشش بیمه‌های مالی و سلامتی کامل قرار گیرند تا علاوه بر وظایف عمومی خود، بعد از ازدواج هم بتوانند به وظایف اختصاصی زنانه خویش (از جمله مادری)، به نحو احسن عمل کرده و همراه با پدران شایسته، فرزندان بدون عقده‌های روانی ناشی از جار و جنجال‌های خانوادگی و طلاق و... پرورش دهند که متأسفانه در منشور توجه کافی به آن‌ها نشده است.

۶- عدم تفکیک زنان از سایر اقشار جامعه در منشور حقوق شهروندی

دختران در تجارت فحشا و قاچاق آن‌ها برای این منظور، همه در ذیل تعریف خشونت جنسی قرار می‌گیرد (۱۹). ارتقای سلامت زنان در همه ابعاد آن (جسمی و روانی) مطمئن‌ترین راه جهت دستیابی به سلامت و بهبود سطح کیفی زندگی زنان است. با توجه به نقش مادری و پررنگ زنان در خانواده، سعادت و سلامت زنان نه تنها اثرات مثبتی را برای زندگی آن‌ها و نسل‌های آینده به ارمغان می‌آورد، بلکه می‌تواند موجبات رشد و توسعه جامعه را نیز فراهم آورد (۲۰). از این رو برای تأمین و تداوم سلامت زنان به عنوان نیمی از جمعیت بشری، علاوه بر تأکید به برابری جنسیتی، مطرح کردن حساسیت جنسی و توجه به موانع و نیازهای آنان می‌تواند راه دستیابی زنان به سلامتی را تسهیل کند و به تناسب آن موجب اتخاذ اعمال سیاستگذاری‌های به جا شود. در خصوص رفع خشونت سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارش سال ۲۰۰۳ خویش، خشونت علیه زنان را فراگیرترین و جهانی‌ترین مصداق نقض حقوق بشر دانسته است. در گزارش سال ۲۰۰۴ این سازمان، این نگرانی بار دیگر تکرار گردید و تأکید کرد که در عرصه رفع خشونت یا دولت‌ها اهمال می‌نمایند و یا نسبت عوامل گوناگون از اجرای اعمال جهت عاجزند (۲۱).

خشونت، پدیده‌ای جهان‌شمول است که زنان هیچ قوم، طبقه یا گروه سنی از آن در امان نیستند و از علت‌های اصلی جراحات و مرگ و میر زنان محسوب می‌شود و اغلب با این توجیه که مسأله خصوصی است مورد اغماض قرار می‌گیرد (۲۰). بنا بر آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۳، دست کم بیش از یک‌سوم از زنان در سرتاسر جهان، خشونت جنسی یا فیزیکی را تجربه کرده‌اند (۲۲)، اما در سازمان بهداشت جهانی نیز نشان می‌دهد که در کشورهایی چون استرالیا، کانادا، اسرائیل، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا بین ۴۰ تا ۷۰ درصد زنان قربانی توسط شریک یا همسران خویش به قتل رسیده‌اند (۲۳).

تدوین‌کنندگان منشور حقوق شهروندی اقدام به ارائه تعریفی جامع و مانع از خشونت و انواع آن ننموده و بیشتر جنبه حمایتی را مورد توجه قرار داده‌اند که خود تنها در شرایطی خاص قابلیت استناد و اعمال دارد.

منشور حقوق شهروندی در همه مواد خود زنان را هم ردیف افشار مختلفی همچون کودکان و معلولان و سالمندان قرار داده است که به نظر می‌رسد نقطه ضعف بسیار بزرگی است، چراکه زنان به عنوان افرادی بالغ و عاقل باید از حقوق متفاوت‌تری نسبت به افشار ضعیف‌تر جامعه مثل کودکان و معلولان برخوردار باشند. به جای آن باید در مقدمه منشور، حقوق شهروندی برابر برای همه مردم به طور یکسان، اعم از زن و مرد و بدون تبعیض قومی و نژادی و زبانی و... تصریح شود، البته توجه به حقوق ویژه برای مادران می‌تواند در سر فصلی مستقل ذکر شود که باید فقط «شامل مرخصی و تغذیه ویژه مادران باردار و شیرده و حفظ موقعیت شغلی آن‌ها، پس از دو سال و نظیر این‌ها» باشد.

در سایر موارد مزایای مربوط به داشتن شغل و بیمه‌های همه‌جانبه و بازنشستگی و حقوق بیکاری، از کارافتادگی و سالمندی... همانند مردان و در سرفصل‌های عمومی باید گنجانده شود، ضمناً برای زنان خانه‌دار نیز حتماً باید شغل خانه‌داری و تربیت فرزند، تعریف و به رسمیت شناخته شود، در حدی که حقوق و مزایای ویژه و بازنشستگی، همانند مشاغل سخت، در نظر گرفته شده و با مکانیزم‌های عملی به زنان خانه‌دار، پرداخت شود.

### پیشنهادات و راه‌کارها

کارشناسان حقوق شهروندی متناسب با کاستی‌های شناسایی شده، راه‌کارهای متعددی را برای برون‌رفت از وضعیت کنونی ارائه می‌دهند. در ادامه مطلب بخشی از این راه‌کارها را بیان می‌کنیم.

۱- اولین راه‌کار در حمایت از حقوق شهروندی زنان، به رسمیت شناختن آن می‌باشد. تفکیک حقوق شهروندی زنان از سایر اشخاص در جامعه نخستین گام مهمی است که می‌تواند به تعالی حقوق شهروندی زنان کمک کند. این راه‌کار مربوط به چالش عدم تفکیک حقوق زنان است.

۲- مشخص کردن دایره شمول حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی و مصادیق آن را می‌توان گام مهمی در شناسایی این حقوق دانست. بنابراین باید به طور دقیق تکالیف و حقوق زنان، تکالیف زنان در قبال دولت و تکالیف دولت در

قبال زنان، به صورت موردی بیان گردد. برای فائق آمدن بر چالش تضاد برخی مواد منشور با قوانین کشور اهمیت دارد.

۳- توسعه نقش دختران در جامعه مستلزم صیانت از حقوق شهروندی زنان و نیازمند ایجاد ضمانت‌های اجرایی متقن و مؤثر می‌باشد که می‌تواند در تحقق این مهم نقش برجسته‌ای ایفا کند. همچنین ایجاد ساز و کارهای تنبیهی برای خطاکاران می‌تواند به عنوان عنصری بازدارنده، از ضایع شدن حقوق زنان جلوگیری کند. راه‌کار فوق مرتبط با چالش عدم توجه به دختران مجرد و عدم وجود ضمانت اجراست.

۴- افزایش میزان آگاهی عمومی نسبت به حقوق زنان، راه‌کار دیگری است که می‌تواند در ارتقای حقوق زنان مفید واقع شود. تربیت شهروندان مسؤول و کارآمد و بالابردن سطح آگاهی شهروندان نسبت به حقوق قانونی و مشروع زنان، در زمره مسؤولیت‌ها و وظایف رسانه‌ها و نهادهای آموزشی است و برنامه‌ریزی کلان و بلندمدتی را می‌طلبد. این راه‌کار مربوط به فقدان آموزش حقوق شهروندی زنان است.

۵- گسترش زمینه‌ها و حمایت‌های لازم به ویژه در حوزه حقوقی برای ایجاد و فعالیت نهادهای مدنی، گروه‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌ها و... می‌تواند موجب احقاق حقوق زنان شود. این نهادها از طرفی می‌توانند بخشی از مسؤولیت تربیت شهروندان کارآمد را بر عهده گیرند. از طرف دیگر می‌توانند در قالب فعالیت‌های سازمان‌یافته در مطالبه حقوق زنان نقش مؤثری ایفا کنند. همچنین نقش این گروه‌ها در فرهنگ‌سازی و نهادینه‌کردن مبحث حقوق زنان قابل انکار نیست. راه‌کار فوق مرتبط با چالش عدم وجود ضمانت اجراست.

۶- بهره‌مندی زنان و دختران جامعه از قوانین حمایتی بالاخص موادی که در منشور حقوق شهروندی در موضوع حقوق زنان مورد تأکید قرار گرفته است نیازمند مرزبندی و رفع ابهامات مربوط به مغایرت‌های احتمالی با قانون اساسی و قوانین عادی هست. این راه‌کار مربوط به چالش تضاد برخی مواد منشور با قانون اساسی است.

### نتیجه‌گیری

آگاهی و تدبیر استوار است، این عدالت‌خواهی است و پرهیز از تقابل و کینه‌ورزی به این دعوت فرهنگی مشروعیت می‌بخشد. حقوق شهروندی و به طور اخص حقوق شهروندی زنان، به سبب مسیری که در جهت احقاق حقوق شهروندان و در راستای شکل‌گیری علوم مبتنی بر فرهنگ اسلامی دارند، نمی‌توانند در قالب رشته‌ای واحد بگنجد، اگرچه نمی‌توان از این مسأله عبور کرد که حقوق شهروندی خود مقدمه‌ای برای مطالعه حقوق شهروندی زنان است، ولی باید به این نکته اذعان داشت که حقوق شهروندی خود یک رشته‌ای است که هنوز نتوانسته در حوزه‌های علمی از جمله آموزش تحصیلات تکمیلی جایگاهی برای خویش پیدا نماید. با توجه به این که طرح و شکل‌گیری این رشته، حوزه مطالعات دانشگاهی است، لازم است به این نکته توجه گردد که سه نکته راه‌گشای حرکت این رشته به سمت بلوغ خویش می‌باشد که اولاً ما نیازمند تربیت استادان و پژوهشگران برای این حوزه می‌باشیم؛ دوماً لازم است تا منابع لازم در جهت پاسخ به نیازهای این رشته تحصیلی تدوین شود؛ سوماً به سمت تولید علم و نظریه‌پردازی و از بین بردن فقر ادبیاتی این رشته حرکت نمود.

بحث و برخورد آرا در ارتباط با حقوق و تکالیف زن و مرد در همه فرهنگ‌ها جریان دارد. دولت‌ها همواره کوشیده‌اند که برابری هرچه بهتر همگانی باشد، اما در طول تاریخ، عوامل زیادی باعث از بین رفتن این برابری بوده‌اند که یکی از این عوامل جنسیت است، به طوری که مفهوم شهروندی همیشه جنسیتی بوده و زن و مرد در ارتباطی متفاوت با این مفهوم قرار می‌گیرند و همواره زنان وضعیت نامساعدتری دارند. برای تحقق یافتن حقوق شهروندی باید به عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در جامعه توجه شود. هر یک از این عوامل در جای خود در این زمینه اثرگذار است. اگر چشم بر زمینه‌های تاریخی یا نگرش‌های دینی حاکم بر دولت و جامعه بسته شود یا چند و چون ساختار سیاسی قدرت از نظر دور ماند، نمی‌توان امید داشت که توجه قانون اساسی به حقوق شهروندی، به تنهایی تضمین‌کننده این حقوق در جامعه باشد. شهروندی یک فرهنگ است که نیاز به آموختن و نهادینه‌شدن در طول زمان دارد. مشکل آموختن را شاید بتوان در کوتاه‌مدت حل نمود، اما نهادینه‌شدن حقوق شهروندی در تمام عرصه‌های اجتماعی در زمان کوتاه ممکن نیست. نهادینه شدن حقوق شهروندی نیازمند فرهنگ‌سازی است که کاری سخت، اما شدنی است.

وضعیت حقوق شهروندی زنان در ایران حاصل مجموعه‌ای پیچیده از عوامل تاریخی اجتماعی و فرهنگی مذهبی، سیاسی است و هر نوع تحولی در این زمینه نیازمند شناخت کامل این زمینه‌هاست، چنانچه دامنه تحقیقات و مطالعات زنان توسعه یابد، زنان با مسائل مرتبط با جنسیت خودآگاهانه و عقلایی برخورد می‌کنند و درمی‌یابند که قوانین محصول شرایط خاص سیاسی اجتماعی عصری است که در آن تدوین یافته و تصویب شده‌اند. در فضای پرتنید فرهنگی است که زنان به ابزار لازم برای فهم واقعیات اجتماعی دسترسی پیدا کرده و می‌آموزند تا به دور از کینه‌ورزی و بدون ابراز خصومت نسبت به مردان، حق‌خواهی کنند و در این راه از اهرم‌های فرهنگی یاری جسته و با استفاده از پشتیبانی مردان و زنان روشن بین فضای فرهنگی جامعه را برای پرورش بازنگری در قوانین زن‌ستیز مهیا سازد. تشویق و ترغیب زنان به قیام فرهنگی که بر شالوده

جدول ۱: حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی

حقوق	بند
حقوق مدنی	بند اول
حقوق سیاسی	بند دوم
حقوق اجتماعی	بند سوم

جدول ۲: چالش‌های حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی

چالش	ردیف
تضاد برخی مواد منشور با قانون اساسی	اول
فقدان آموزش حقوق شهروندی زنان	دوم
عدم وجود ضمانت اجرا	سوم
عدم توجه به خشونت علیه زنان	چهارم
عدم توجه به دختران مجرد	پنجم
عدم تفکیک زنان از سایر اقشار جامعه در منشور حقوق شهروندی	ششم

## References

1. Hezar Jaribi J. Women's awareness of citizenship rights and the factors that affect it. *Urban and Regional Studies and Research* 2011; 3(9): 23-74.
2. Yousefi A. Feeling of citizenship in the centers of Iran's provinces. *Iranian Journal of Sociology* 2008; 3(2): 10-18.
3. Tavassoli G. The Social Reality of Citizenship in Iran. *Iranian Journal of Sociology* 2004; 1(2): 41-59.
4. Fatemi Nia S. Citizenship Culture: The Product of Good Governance, Efficient Organization and Active Citizen. *Social Welfare Quarterly* 2007; 1(6): 12-37.
5. Soltanifar M. Study of the relationship between cultural factors and women's enjoyment of citizenship rights. *Journal of Cultural Management* 2011; 1(4): 14-25.
6. Masti M. A Look at Citizenship Rights with Emphasis on Judicial Aspects. *Journal of the East Azerbaijan Bar Association* 2010; 3(3): 21-46.
7. Afzali R. Citizenship Rights in Iran. *Political and Economic Information Monthly* 2010; 3(6): 51-83.
8. Lahiji S. Understanding the identity of Iranian women in the field of prehistory and history. *Enlightenment and Women's Studies* 2008; 2(1): 3-17.
9. Taghipoor S. Citizenship Rights and the Judiciary of Iran. *Judicial Monthly* 1390; 3(1): 4-19.
10. Ancient P. Mohammad Ebrahim. The transition of women from Godard to history. Tehran: Science Publishing Tehran; 2005
11. Mohammadzadeh N. Women and Citizenship Rights. *Quarterly Journal of Women's Rights* 2017; 10(36): 22-35.
12. Bookkeeper M. Active citizenship in the light of the gender approach to citizenship. *Iranian Journal of Sociology* 2004; 5(2): 12-48.
13. Hekmatnia M. Women's personal and social rights and responsibilities. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization; 1390.
14. Women and the Family in the Charter of Citizenship Rights. Some of the criticisms reported by Mehrkhaneh. Family and Women's News Analytical Base. Published: 7/10/2016. News ID: 30620.
15. Khezri F. Who is a citizen and what are citizenship rights?. Tehran: Information Newspaper Tehran; 2017.
16. Sirajzadeh S. Women's clothing and a sense of security in public spaces. *Iranian Journal of Social Studies* 2015; 8(2): 12-26.
17. Salarifar M. Domestic violence against women, the study of causes and treatment with an attitude towards Islamic sources. Qom: Hajar Publishing Center; 2010
18. Pamela A. Sociology of Women. Translated by Najm Iraqi M. Tehran: Ney Publishing; 2001
19. Alasvand F. Woman in Islam. Tehran: Hajar Publishing Center; 2013. Vol.2 Ch.2 p.31-45.
20. Taheri A. Legal measures to reduce gender-based violence. Tehran: Organization for the Protection of Victims of Violence; 2009.
21. Rasooli N. The West and Violence Against Women. Qom: Cultural Counseling Site of the Islamic Republic of Iran - Rome; 2012. p.32-49.
22. Shams Esfandabadi H. Harassment spouse and the factors affecting it in married women. *New Psychological Research (University of Tabriz Psychology)* 2004; 3(7): 11-27.
23. Ruyin Tan M. Violence against women. Statistics and actions of international organizations. Tehran: Mehrkhaneh; 2012.